



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The function of conceptual metaphors of "unity of existence" in the lyric poems of Shah Nematullah Vali

F. Zamani^{*1}, S. Khademi²

1- Department of Persian Language and Literature, Kowsar University of Bojnourd, Bojnourd, Iran.

2- Department of Religions and Mysticism, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 01 January 2021
Reviewed: 02 February 2021
Revised: 12 February 2021
Accepted: 03 April 2021

KEYWORDS

Shah Nematullah Vali,
lyric poems, unity of existence,
conceptual metaphor

*Corresponding Author

✉ F.zamani@kub.ac.ir

☎ (+98 58) 32262863

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The issue of "unity of existence" is an abstract matter and addressing it is lead to the formation of various metaphorical systems in the text. In the present article, based on the view of cognitive linguists, the functions of conceptual metaphors in how to perceive and think about the concept of "unity of existence" have been studied. The issue of unity of existence has a special place in the court of Shah Nematullah Vali. The main purpose of this research is to answer to the question of what linguistic mechanisms Shah Nematullah Vali has been able to explain the abstract concept of "unity of existence".

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical. The authors have reviewed first 1000 lyric poems of Shah Nematullah Vali's Divan.

FINDINGS: Conceptual metaphors are formed based on the physical and cultural experiences of each language; Shah Nematullah Vali has also explained the "unity of existence" based on cultural and physical experiences. The findings of this study show that in the first 1000 sonnets of Shah Nematullah's divan, there are 851 conceptual metaphors about "unity of existence".

CONCLUSION: 85% of the conceptual metaphors of Shah Nematullah's court are related to ontological metaphors, 10% are structural metaphors and 5% are orientation metaphors. Personality (man, perfect man, prophet), objectification (mirror, cup, gold, treasure) and the elements of the universe (sea, water, light and sun) are among the most frequent ontological metaphors of the unity of existence in the lyric poems of Shah Nematullah, which is affected from mythological and religious beliefs. In structural metaphors, the number one, meaning, interior, truth and essence are the most important metaphors of unity of existence. Among orientation metaphors, in and high have higher frequencies.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.14.6222](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.6222)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 5	 2

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

کارکرد استعاره‌های مفهومی «وحدت وجود» در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی

فاطمه زمانی*، سمیه خادمی

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

۲- گروه ادیان و عرفان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: مسئله «وحدت وجود» امری انتزاعی است و پرداختن به آن موجب شکل‌گیری نظام‌های استعاری گوناگون در متن می‌گردد. در مقاله حاضر، براساس دیدگاه زیان‌شناسان شناختی، کارکردهای استعاره‌های مفهومی در چگونگی ادراک و اندیشیدن درباره مفهوم «وحدت وجود» مورد بررسی قرار گرفته است. مسئله وحدت وجود در دیوان شاه نعمت‌الله ولی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی پژوهش، پاسخ به این سؤال است که شاه نعمت‌الله ولی با بهره‌گیری از چه سازوکارهای زبانی توانسته است به تبیین مفهوم انتزاعی «وحدت وجود» بپردازد.

روش مطالعه: روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و با مراجعه به دیوان شاه نعمت‌الله ولی، و بررسی ۱۰۰۰ غزل اول آن، استعاره‌های مفهومی که در رابطه با موضوع وحدت وجود است، استخراج گردیده و در موضوعات مختلف دسته‌بندی شده است و سپس مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: استعاره‌های مفهومی براساس تجارب جسمانی و فرهنگی هر زبانی شکل می‌گیرند؛ شاه نعمت‌الله ولی نیز براساس تجارب فرهنگی و جسمانی به تبیین «وحدت وجود» پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ۱۰۰۰ غزل اول دیوان شاه نعمت‌الله، ۸۵۱ استعاره مفهومی درباره «وحدت وجود» وجود دارد.

نتیجه‌گیری: ۸۵ درصد از استعاره‌های مفهومی دیوان شاه نعمت‌الله، مربوط به استعاره‌های هستی‌شناختی، ۱۰ درصد استعاره ساختاری و ۵ درصد نیز استعاره جهتی است. شخص‌انگاری (انسان، انسان کامل، پیامبر)، شیء‌شدگی (آینه، جام، زر، گنج) عناصر هستی (دریا، آب، نور و آفتاب) از پربسامدترین استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود در غزلیات شاه نعمت‌الله است که ریشه در باورهای اسطوره‌ای و دینی دارد. در استعاره‌های ساختاری نیز عدد یک، معنی، باطن، حقیقت و ذات از مهمترین استعاره‌های وحدت وجود هستند. از بین استعاره‌های جهتی نیز درون و بالا بسامد بیشتری دارند.

تاریخ دریافت: ۱۲ دی ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۴ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۴ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۴ فروردین ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

شاه نعمت‌الله ولی، غزلیات، وحدت وجود، استعاره مفهومی.

* نویسنده مسئول:

F.zamani@kub.ac.ir ✉

۳۲۲۶۲۸۶۳ (+۹۸ ۵۸) ☎

مقدمه

سید نورالدین نعمت‌الله بن عبدالله بن محمد کوه بنانی کرمانی مشهور به «ولی» و مؤسس سلسله نعمت‌اللهیه، از چهره‌های برجسته عرفان اسلامی در سده هشتم و نهم هجری است. شاه نعمت‌الله ولی از لحاظ فواید عملی و جنبه‌های مثبت بعضی از تعالیم صوفیانه و افکار تربیتی و اخلاقی در ردیف بزرگترین مربیان و پیشوایان تصوف ایران بشمار میرود و در میان اقطاب صوفیه کمتر کسی است که از حیث نفوذ معنوی و تربیتی و کثرت میدان و تربیت‌شدگان، در طی قرون و اعصار گذشته تاکنون به پای او رسیده باشد، زیرا دامنه نفوذ و سیطره معنوی او به هندوستان نیز رسیده بود و پادشاهان سلسله بهمنی دکن به او ارادت ویژه‌ای داشتند (تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت‌الله ولی، فرزام: ص ۶۶۰). آثار عرفانی منشور و منظوم بسیاری به نظم درآورده است. «آثار شاه نعمت‌الله ولی، بویژه اشعار او، از نوع اشعار عرفانی، متأثر از آراء ابن‌عربی شامل اشارات و توضیحات درباره عقاید و افکار متصوفه و مباحث وحدت وجود، انسان کامل و اسرار حروف و نقطه است» (مضامین عرفانی، دینی و ادبی حروف الفبا در اشعار شاه نعمت‌الله ولی کرمانی، حیدری: ص ۳۱۸). دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی مشتمل بر قالبهای شعری غزل، ترجیع‌بند، قصیده، مثنوی، رباعی و دوبیتی است که در این بین غزلیات او با ۱۵۵۰ غزل بیشترین حجم دیوان وی را تشکیل میدهد. یکی از مفاهیم اصلی و مرکزی غزلیات شاه نعمت‌الله اندیشه وحدت وجود است که گاهی در سراسر یک غزل به بیان همین اندیشه پرداخته است. تحقیق پیش رو در پی پاسخ دادن به این پرسش است که نظامهای استعاری اندیشه «وحدت وجود» در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی بیشتر از کدام یک از قلمروهای تجربیات بشری، آموزه‌های دینی بهره برده است. همچنین میکوشد تا پرکاربردترین استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی برای بیان اندیشه وحدت وجود را استخراج و پیشینه فرهنگی آنها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

سابقه پژوهش

تاکنون پژوهشهای قابل‌توجه‌ای درباره استعاره مفهومی نگارش یافته است. مینا بهنام (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «استعاره مفهومی نور در دیوان شمس»، با استفاده از کارکردهای استعاره نور و خوشه‌های تصویری مرتبط بدان یعنی خورشید، آفتاب، شمع، چراغ و... را در غزلهای مولوی تبیین کرده است. طاهره کریمی و ذوالفقار علامی (۱۳۹۲) در مقاله «استعاره‌های مفهومی در دیوان شمس بر مبنای کنش حسی خوردن»، با استفاده از نظریه شناختی استعاره معاصر، به تبیین استعاره‌های خوردن در دیوان شمس پرداخته‌اند. طاهره کریمی و ذوالفقار علامی (۱۳۹۵)، پژوهش دیگری با عنوان «تحلیل شناختی استعاره مفهومی «جمال» در مثنوی و دیوان شمس» انجام داده‌اند که کارکردهای استعاره مفهومی «جمال» و خوشه‌های تصویری مرتبط با آن یعنی جهان، انسان، صورت (رخ)، آفتاب، آیینه و جز آن را در غزلهای مولوی تحلیل و تبیین کرده‌اند. آرزو ماندعلی و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی تطبیقی استعاره مفهومی عشق در اشعار ابن‌فارض و سلطان ولد»، با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی مکتب امریکایی، حوزه‌های مفهومی محمل مشترک و متفاوت در شعر دو شاعر را مورد کنکاش و بررسی تطبیقی قرار داده‌اند. سیده زهرا میرنژاد و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مفهوم وحدت در مثنوی با استعاره شناختی» به استخراج هفت کلان‌استعاره نور، انسان، عناصر طبیعی، شی، مکان و ظرف و رویدادها در مثنوی برای مفهوم وحدت وجود پرداخته است. محمدرضا بختیاری و عیسی ویدانژاد (۱۳۹۸)، در مقاله «وحدت شخصی وجود در اشعار شاه نعمت‌الله ولی»، به

جلوه‌های گوناگون وحدت شخصی وجود از دیدگاه شاه نعمت‌الله ولی پرداخته‌اند و تمثیلاتی را که شاه نعمت‌الله برای اثبات وحدت شخصی وجود بکار برده است مورد بررسی قرار داده‌اند. اما تاکنون کارکردهای استعاره مفهومی در تبیین اندیشه «وحدت وجود» در غزلیات شاه نعمت‌الله، مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

بحث و بررسی

نظریه وحدت وجود در عرفان اسلامی

وحدت وجود یکی از مفاهیم اساسی در عرفان اسلامی، بویژه عرفان نظری است. وحدت به معنای یگانگی، یکتایی و صفت واحد است. در نزد عارفان، مراد از وحدت حقیقی، وجود حق است (فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سجادی: ص ۷۸۲). وحدت وجود به این معناست که «وجود» خداوند، تنها واحد حقیقی است، و موجودات، تجلی حق بصورت اشیاء است و کثرات مراتب، امور اعتباری هستند و از غایت تجدد فیض رحمانی، ظاهر شده‌اند (فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی، سعیدی: ص ۱۰۹۷).

مفهوم وحدت وجود در گفته‌های عارفان بازتاب بسیاری داشته است، از جمله اینکه عین‌القضات همدانی از معروف کرخی نقل کرده است: «لیس فی الوجود إلاً الله»؛ همچنین ابوالعباس قتّاب آملی نیز گفته است: «لیس فی الدّارین إلاً ربّی و إنّ الموجودات کلّها معدومه إلاً وجوده» (تمهیدات، عین‌القضات همدانی: صص ۲۵۶-۲۵۷). با اینکه ریشه‌هایی از وحدت وجود در جریانهای فکری قبل از قرن هفتم هجری، اعم از اسلامی و غیراسلامی دیده می‌شود، اما نظریه وحدت وجود بگونه‌ای کامل و بصورت مشروح و منظم پیش از ابن عربی نبوده است و او نخستین عارفی است که در عالم اسلام با ایمان راستین و شور و شوق فراوان، این اصل و اساس را استوار ساخته است (محبی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، جهانگیری: ص ۲۶۱). البته ابن عربی تنها در کتاب /المعرفه، اصطلاح وحدت وجود را بکار برده است چنانکه گفته است: «اعلم أن حقيقة الوجود واحدة، لا تعدد فيها و لا تكثر. و تعدد و تكثر بحسب التعینات و التجلیات» (کتاب المعرفه، ابن عربی: ص ۱۲۸). شیخ اکبر در موارد قابل‌توجهی، عباراتی با همین مفهوم بیان کرده است؛ از جمله اینکه گفته است: «أن الوجود هو الله» (فتوحات مکیه، ج ۲: ص ۵۶۶)؛ همچنین عبارت: «قد ثبت عند المحققین ما فی الوجود الا الله» (همان، ج ۱: ص ۳۶۳)، حاکی از اندیشه وحدت وجود او است. بعد از ابن عربی، شارحان وی، بسیار به بسط و گسترش اندیشه وحدت وجود پرداختند. داوود قیصری درباره ویژگیهای وجود حقیقی معتقد است که وجود حقیقی، نه جوهر است و نه عرض؛ بلکه مایه قوام این دو است و این وجود، وجود حق است که اصل و ذات همه چیز است. این وجود از هر چیزی از جهت تحقق و اثبات ظاهر و آشکارتر است و از تمام اشیاء از حیث ماهیت و حقیقت، اخفی و پنهانتر است. وجود حقیقی، ضد و مثل ندارد، همچنین شدت و ضعف را نمیپذیرد. خیر محض است و هر خیری از او و قائم به اوست. وجود حقیقی قائم به ذاتش است؛ زیرا او در تحققش به امری خارج از ذات خود نیازمند نیست و او قیومی است که به ذاتش ثابت و ثابت‌کننده غیرش است؛ برای او نمیتوان آغاز و پایانی در نظر گرفت؛ چنانکه در آیه سوم سوره حدید آمده است: «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (شرح قیصری بر فصوص‌الحکم ابن عربی، قیصری، ج ۱: صص ۱۱-۱۲). شاه نعمت‌الله ولی نیز یکی از شارحان ابن عربی است. تعلیم عمده‌ای که در کلام شاه نعمت‌الله، همه جا بچشم می‌خورد و خمیرمایه اصلی نظم و نثر او را تشکیل میدهد، مسئله وحدت وجود است. در تمام اندیشه‌های شاه نعمت‌الله، رگه‌های فکری ابن عربی پیداست و حتی الفاظ و اصطلاحات ابن عربی است که در بیان وی تکرار می‌شود. نعمت‌الله اقوال و تعلیم ابن عربی را به هر بیانی تفسیر میکرد و آثار او مثل بعضی آثار عراقی و جامی و غالب اشعار مغربی، جلوه‌گاه اندیشه و عرفان ابن عربی است (دنباله جستجو در تصوف، زرین‌کوب: ص ۱۹۸).

مبانی نظری: استعاره مفهومی

استعاره (Metaphor) به معنی به عاریه گرفتن لفظ، از معنای حقیقی و استعمال آن در معنای مجازی به شرط تکیه بر رابطه مشابهت است (علوم بلاغت و اعجاز در قرآن، نصیریان: ص ۱۴۱). استعاره از دیرباز موضوع تفکرات فلسفی، زبانشناسی و روانشناسی بوده است. ارسطو اولین کسی است که به مطالعه استعاره پرداخته است و آن را نوعی صنعت بلاغی میدانند که شامل بکارگیری جنس بجای گونه، گونه بجای جنس، گونه بجای گونه قیاس میشود (استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، ساسانی: ص ۳۸ و ۴۶). قدیمیترین تعریف استعاره در تمدن اسلامی به جاحظ نسبت داده شده است. جاحظ در کتاب *البیان و التبیین* میگوید: استعاره نامیدن چیزی است به نامی جز نام اصلی. پس از او عبدالله بن معتمر در کتاب *البديع مینویسد* استعاره جانشین کردن کلمه‌ای برای چیزی که پیش از این بدان شناخته نشده باشد (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۱۰۸). بنابراین در رویکرد سنتی، استعاره جنبه تزئینی دارد و زبان روزمره را زبانی حقیقی و خالی از استعاره بشمار می‌آورد. اما در نظریات معاصر تمایزی بین حقیقت و مجاز قائل نیستند؛ لذا استعاره «دسته خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن، جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر فرا برده و منتقل میشود» (استعاره، هاوکس: ص ۱۱). در این دیدگاه استعاره در چگونگی مفهوم‌سازی یک قلمرو ذهنی برحسب قلمرو ذهنی دیگر مورد بررسی قرار میگیرد (استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، ساسانی: ص ۱۹۷). درواقع بنیان استعاره مفهومی نه براساس شباهت، که بر پایه ارتباط قلمروهای متقاطع همزمان در تجربه انسان و درک شباهتهای این حوزه‌ها شکل گرفته است (نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون، هاشمی: ص ۱۲۳). به این معنی که استعاره مفهومی نوعاً مفاهیم انتزاعی‌تر را بمثابة «هدف» و مفاهیم عینی‌تر یا فیزیکی‌تر را بمنزله «مبدأ» خود بکار می‌برند (کتاب مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، کُوشش: صص ۲۰-۲۱). درک استعاره به معنی شناخت نگاشتهای منظم میان مبدأ و هدف است. لیکاف «نگاشت» را «قلمروهای متناظر در نظام مفهومی» (the contemporary theory of metaphor, Lakoff: 186) تعریف میکند. هر نگاشت مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است. در اینجا «هدف» حوزه مفهومی‌ای که ما تلاش میکنیم آن را بفهمیم و منظور از «مبدأ» حوزه مفهومی‌ای است، که برای فهم حوزه دیگری بکار برده میشود (مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، کُوشش: صص ۳۰-۳۶). استعاره مفهومی براساس نقش شناختی آنها به استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های هستی‌شناختی و استعاره‌های جهتی تقسیم شده‌اند.

استعاره‌های ساختاری^۴: در این نوع استعاره، حوزه مبدأ یک ساختار غنی از دانش را برای حوزه هدف فراهم می‌آورد. در این نوع استعاره‌ها، گویندگان هدف (الف) را ازطریق ساختار مبدأ (ب) میشناسند (همان: ص ۶۹). لیکاف و جانسون درباره این استعاره به دو ویژگی سامان‌دهی و برجسته‌سازی و پنهان کردن قسمتهایی از مفاهیم اشاره میکنند (نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون، هاشمی: ص ۱۲۹).

استعاره‌های هستی‌شناختی^۵: در این نوع استعاره‌ها، یک موقعیت هستی‌شناختی جدید به مقوله‌های عام مفاهیم انتزاعی هدف داده میشود و هستیهای انتزاعی جدیدی ساخته میشود. تجربه‌های نامشخص، ازطریق استعاره‌های هستی‌شناختی ساختار مشخصتری پیدا میکند (مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، کُوشش: صص ۶۹-۷۰). تجربه‌های ما از اجسام فیزیکی زمینه‌ای گسترده و متنوع از استعاره‌های هستی‌شناختی فراهم می‌سازد؛

^۱- mapping

^۲- target domain

^۳- source domain

^۴- structural metaphor

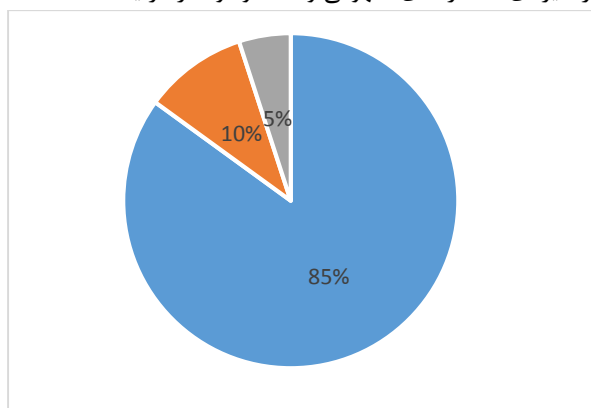
^۵- ontological metaphor

استعاره‌هایی که پنجره‌هایی هستند برای نگرستن به رویدادها، فعالیت‌ها، احساسات، ایده‌ها و ... بمثابة هستیها و مواد (استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم، لیکاف و جانسون: ص ۵۰). بدیهیترین نوع استعاره‌های هستی-شناختی شخص‌انگاری اشیاء فیزیکی است که موجب درک پدیده‌های غیرانسانی در چارچوب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی است (همان: ص ۶۱).

استعاره‌های جهتی^۱ (فضایی / استعارهٔ انسجام): استعاره‌های جهتی در ساختار بخشی مفهومی حتی کمتر از استعاره‌های هستی‌شناختی به ما کمک میکنند نقش شناختی آنها، درعوض این است که به یک مجموعه هدف انتزاعی در نظام مفهومی ما انسجام بدهند. نام استعارهٔ جهتی از این واقعیت ناشی میشود که اکثر این استعاره‌ها با جهت‌گیریهایی قضایی پایهٔ انسان، مانند بالا-پایین، مرکز-پیرامون و مانند آنها سروکار دارند. شاید بهتر باشد که این نوع استعاره‌ها را «استعارهٔ انسجام» بنامیم، که بیشتر با نقش‌شناختی آنها سازگار است (کتاب مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، کوچش: ص ۷۱). درواقع استعاره‌های جهتی نتیجه ویژگیهای جسمانی و نوع عملکرد کالبد و جسم ما در محیط فیزیکی هستند (استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم، لیکاف و جانسون: ص ۳۰). این نوع از استعاره‌ها ریشه در تجربه‌های فردی و فرهنگی ما دارند.

در تحقیق حاضر که به بررسی ۱۰۰۰ غزل از ۱۵۵۰ غزل شاه نعمت‌الله پرداخته شده است، ۸۵۱ استعاره مفهومی دربارهٔ وحدت وجود استخراج شد. ۸۵ درصد از این استعاره‌ها مربوط به استعاره‌های هستی‌شناختی است. ۱۰ درصد استعارهٔ ساختاری و ۵ درصد نیز استعارهٔ جهتی است. میزان کاربرد قابل توجه استعاره‌های هستی‌شناختی «وحدت وجود» بر این امر دلالت دارد که شاه نعمت‌الله تمام اجزای هستی را در پیوندی ناگسستنی با اصل حقیقی و ذات احدیت میبیند و به کثرات به عین وحدت مینگرد.

۱. نمودار دایره‌ای استعاره‌های مفهومی وحدت وجود در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی



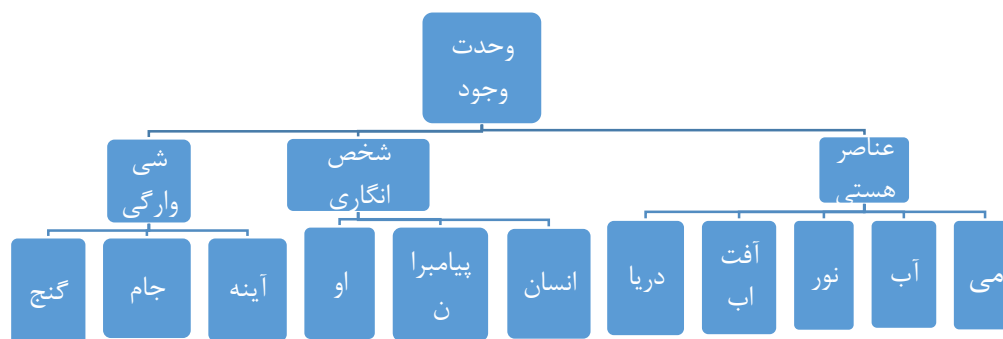
1. Circular diagram of conceptual metaphors of the unity of existence in the lyric poems of Shah Nematullah Vali

¹- orientational metaphor

استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود

استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود در غزلیات شاه نعمت‌الله را می‌توان در سه دسته «شیء‌وارگی»، «شخص‌انگاری» و «عناصر هستی» طبقه‌بندی کرد. در استعاره‌هایی که وحدت وجود به شیء مانند شده است استعاره‌های «وحدت وجود گنج است»، «وحدت وجود جام است»، «وحدت وجود می است» و «وحدت وجود آینه است» بسامد بیشتری داشته است. در استعاره‌های انسان‌انگاری نیز استعاره‌های «او»، «پیامبران» و «عاشق و معشوق» فراوانی بیشتری داشتند. در استعاره‌هایی که با عناصر هستی ساخته شده‌اند «آب»، «نور»، «آفتاب» و «دریا» کاربرد بیشتری داشتند.

۲. نمودار شاخه‌ای استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی



Branch diagram of ontological metaphors of the unity of existence in the lyric poems of Shah Nematullah Vali

شخص‌انگاری / تشخیص: در بین استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود، استعاره‌های شخص‌انگاری یا جاندارپنداری با ۲۷۶ مورد از بسامد بیشتری برخوردار هستند. شاه نعمت‌الله برای عینی ساختن مفهوم «وحدت-وجود» خداوند (یعنی واحد) را بصورت انسان بتصویر میکشد و با استفاده از متعلقات انسانی چون ضمیر «او»، «زیارویی»، «جانان»، «عاشق و معشوق»، «یار»، «دوست»، «منظور»، «ناظر»، «محب و محبوب»، «پادشاه»، «گدا»، «طالب و مطلوب»، «احباب»، «مؤمن و کافر»، «ساقی»، «حریف»، «حضرت موسی (ع)»، «حضرت آدم (ع)»، «حضرت محمد خاتم (ص)»، «فرعون»، «حضرت عیسی (ع)»، «قاصد»، «عبد»، «معبود»، «عابد»، «محمود»، «ساجد و مسجود»، «نقاش چین»، «انسان کبیر»، «شیخ»، «صاحب نظر»، «سلطان» و غیره نظام استعاری گسترده می‌آفریند که حضور واحد را در جلوه‌های گوناگون و متفاوت بشری تصویرسازی میکند. در بین این استعاره‌ها کاربرد ضمیر سوم شخص «او»، «عاشق و معشوق»، «اسامی پیامبران» از بسامد بیشتری برخوردار است. کاربرد فراوان این نوع استعاره متأثر از ساختارهای فرهنگی و تجارب عرفانی عارفان مسلمان است.

الف- استعاره «وحدت او است»: در سنت عرفانی برای عینی ساختن مفهوم وحدت وجود و یگانگی ذات حق تعالی از ضمیر سوم شخص مفرد «او» استفاده میشود. «او» معادل «هو» در زبان عربی است و «هو» در متون عرفانی عبارت از حقیقت احدیه صرف است. منظور از حقیقت احدیه صرف، ذات بدون اعتبار صفات است. ابن-عربی در تفسیر «هو» که خداوند در آیه اول سوره اخلاص فرموده است: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، میگوید: «هُوَ، عِبَارَةٌ

عن الحقيقة الاحدية الصرفة أي: الذات من حيث هي بلا اعتبار صفة، لا يعرفها الا هو» (تفسير ابن عربی، ج: ۲، ص: ۴۶۸). هو یا همان ذات مقامی است که تجلی ندارد، اما مظهر همه تجلیات است و «هرچه در تمامت موجودات مفصل است در این مرتبه مجمل است، كالشجرة فی النّواء و مجموع عوالم، تفصیل این مرتبه‌اند و هیچ شیء بیرون از این مرتبه نیست» (مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، لاهیجی: ص ۱۰۰). در غزلیات شاه نعمت‌الله - ولی نیز «او» استعاره‌ای هستومند است که تمام اجزای طبیعت جزئی از پیکر انسانی «او» محسوب میشوند و با ترکیباتی نظیر روی او (دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۴۶)، دست او (همان: ص ۴۶)، صفات او (همان: ص ۲۴۷)، جمال او (همان: ص ۳۳)، کمال او (همان: ص ۲۸۱)، نور او (همان: ص ۲۴)، خیال او (همان: ص ۲۶)، حسن او (همان: ص ۳۲۰)، صورت او (همان: ص ۴) وحدت وجود عینی می‌گردد و هر آنچه در هستی است جزئی از وجود واحد خداوندی محسوب می‌گردد:

به چشم او توان دیدن جمال بی‌مثال او به گیری روی ننماید کسی را او نمیبیند
(همان: ص ۲۱۶)

براین اساس هرگاه وجودهای متکثر «من، ما و تو» از هویت مجازی خویش خارج میشوند خود را جزئی از وجود «او» می‌بینند و با یکدیگر یکی و متحد میشوند:

ما و او با هم یگانه گشته‌ایم بی‌دوئی ما و تو اوئیم ما
(همان: ص ۱۴)

ما نه مائیم و ما همه اوئیم اثری چون نماند با ما ما
(همان: ص ۱۶)

تو منی من توام دوئی بگذار این همه نزد ما هویت اوست
(همان: ص ۱۰۱)

در استعاره‌ای دیگر وحدت بشکل «او» در آینه عالم، در جسم انسانی، انعکاس یافته است:
آینه از او وجود دارد او نیز به آینه هویدا
(همان: ص ۱۷)

صورت ما مثال او است از آن حسن معنی جمال سیرت ماست
(همان: ص ۴۴)

و در مواردی نیز «او» بعنوان آفریننده در وجود مخلوقاتش پدیدار می‌گردد. از این نظر که مخلوقات هستی عاریتی خویش را از وجود خالق خویش بدست آورده‌اند لذا این تکثرات جلوه‌گاه یک وجود حقیقی است:
غیر او نیست و تو گوئی هست او بخود دیگران به او موجود
(همان: ص ۲۴)

ما به او و او به ما پیدا شده جمله عالم آن او، او آن ماست
(همان: ص ۴۳)

دل و دلداری و جان ما همه اوست محیط و موج و زورق اوست دریاب

(همان: ص ۲۹)

همه عالم خیال او و خیال غیر او نیست این خیال نگر
(همان: ص ۲۸۵)

ب- استعاره «وحدت پیامبر (آدم، موسی، عیسی، خاتم و...) است»: در اندیشه عرفانی، انسان کاملی که در وجود حضرت محمد (ص) و سایر انبیاء الهی متمثل میشود، نمایشگر تجلی صورت الوهیت در انسان است (تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، نیکلسون: ص ۱۵۱). شاه نعمت‌الله ولی نیز با تکیه بر تجربه دینی- عرفانی، با ذکر نمونه‌هایی از انسانهای کامل (کثرت) که جلوه‌گاه خداوند هستند، مفهوم وحدت و یگانگی را عینی میسازد:

در مرتبه‌ای آدم در مرتبه‌ای خاتم در مرتبه‌ای عیسی در مرتبه‌ای داود

(دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۲۱۸)

پ- استعاره «وحدت انسان است»: از دیدگاه عرفا خداوند در وجود تمام انسانها وجود دارد. «تجلی حق در آینه وجود انسانی، مقام خلافت کلی و مظهریت تامه الهی حق، در هیکل انسانی تجلی کرده و او را آینه سرتاپانمای جلال و جمال خویش ساخته است» (مولوی‌نامه، همایی، ج ۱: ۱۸۸-۱۸۹). از آنجا که روح الهی در وجود تمام انسانها دمیده شده است شاه نعمت‌الله ولی نیز ذات احدیت را در وجود تمامی انسانها همانند مؤمن و کافر (دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۳۵)، ساجد و مسجود (همان: ص ۲۳۸)، عابد و معبود، طالب و مطلوب (همان: ص ۳۴ و ۵۱)، عاشق و معشوق (همان: ص ۱۳، ۹۱، ۹۰، ۸۳، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۰۵، ۱۱۲، ۵، ۳۱۹، ۲۰۶)، محب و محبوب (همان: ص ۳۲ و ۲۵۱)، قاصد و مقصود (همان: ص ۲۱۸)، حامد و محمود (همان: ص ۲۱۸)، ناصر و منصور (همان: ص ۲۱۸)، پادشاه (همان: ص ۸۸) و گدا (همان: ص ۵) و دستور، شیخ (همان: ص ۲۵۱)، انسان کبیر، ذاکر و مذکور، سید و بنده (همان: ص ۲۱۸، ۲۳۸)، ساقی، حریف، سلطان، دوست و یار (همان: ص ۱۱۹)، نقاش (همان: ص ۲۲۲)، شاهد و مشهود (همان: ص ۲۳۷)، ناظر و منظور (همان: ص ۷، ۶۷) حاضر میبیند.

در مرتبه‌ای ساجد در مرتبه‌ای مسجود در مرتبه‌ای عابد در مرتبه‌ای معبود

(همان: ص ۲۱۸)

جمله ارواح جزویات اوست بلکه او بر جمله عالم پادشاه است
(همان: ص ۵۰)

عاشق و معشوق و عشق هر سه بر ما یکی است در دو جهان هست و نیست جز یک دیگر مرا

(همان: ص ۵)

استعاره	نوع استعاره	کارکرد شناختی
شخص‌انگاری	او، پیامبر، انسان	او: ضمیر غایبی که میتواند به تمام پدیده‌های جاندار و بی‌جان اطلاق شود. پیامبر: انسان کاملی است که ذات حق در او به تمام و کمال تجلی یافته است. انسان: خلیفه الله است و روح الهی در او دمیده شده است.

شیء‌شدگی وحدت وجود: نوع دیگر استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی، مربوط به «شیء‌شدگی مفهوم وحدت وجود» است. در این نوع از استعارات، مفهوم وحدت وجود (حوزه هدف) به یاری تجاربی که عرفا در ارتباط با اجسام فیزیکی و اشیاء (حوزه مبدأ) دارند عینی‌سازی می‌گردد. در دیوان شاه نعمت‌الله نیز مفهوم «وحدت وجود» به یاری حوزه‌های مبدأ چون «آینه»، «جام»، «گنج»، «زر»، «نقش»، «جام جهان‌نما» و «شمع» شناسایی می‌گردد. در ادامه به تحلیل پرکاربردترین استعاره‌های شیء‌شده وحدت وجود می‌پردازیم:

الف- استعاره «**وحدت آینه است**»: آینه یکی از پرکاربردترین استعاره‌های هستی‌شناختی «وحدت وجود» است و بیش از ۱۰۸ مورد بکار رفته است. اگرچه در آثار عرفانی آینه غالباً نماد کثرات (موجودات) است که ذات حق را متجلی می‌سازد، اما در اشعار شاه نعمت‌الله، آینه نماد وحدت نیز هست. درواقع به گفته ابن عربی «همانطور که جوهر هر فرد در ذات حق منعکس است، ذات حق در جوهر فرد باز می‌تابد» (فرهنگ نمادها، شوالیه و گربران، ج ۱: ص ۳۳۱). تصویری که در آینه (موجودات) منعکس می‌شود خیالی است و آنکه روبروی آینه ایستاده است (یعنی ذات حق) حقیقی است. لذا مجموعه کثرات در آینه حضرت حق انعکاس یافته‌اند:

گر آینه عین او نباشد ما را و ترا کجا نماید

(دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۲۴۳)

جان ما گر چه که آینه اوست روی او نیز هم آینه ما است

(همان: ص ۴۶)

ب- استعاره «**وحدت جام است**»: کائنات و جمیع ذرات هستی، جام شراب جلوه‌های الهی هستند و این جام با شراب و ساقی یکی شده‌است. درواقع جام (پدیده‌های هستی) چون دربردارنده می (تجلی حق) است با آن یکی شده است و هویت خویش را از آن کسب می‌کند:

جام و شراب و ساقی، معشوق و عشق و عاشق هر سه یکی است اینجا این قول عاشقان است

(همان: ص ۹۱)

جام وحدت به روی ساقی نوش ذوق می‌خوارگی ما دریاب

(همان: ص ۳۲)

جام وحدت بنوش رندانه ذوق این می ز باده‌نوشان پرس

(همان: ص ۲۹۶)

پ- استعاره «**وحدت گنج است**»: استعاره‌های هستی‌شناختی که با مبدأ «گنج» برای عینی‌ساختن مفهوم وحدت ساخته شده است ۱۵ مورد است. جلوه حق در کائنات همانند گنجی با ارزش است و ذره‌ای نیست که از این گنج خالی باشد:

گر بر تو در گنج خزائن بگشایند آن گنج نهان گشته ز هر باب توان دید

(همان: ص ۲۵۱)

هر کجا کنجی است گنجی در وی است گنج اسما در همه اشیاء طلب

(همان: ص ۳۵)

ت- استعاره «وحدت زر است»: در ۵ مورد شاه نعمت‌الله برای عینی‌ساختن وحدت وجود از مبدأ «زر» بهره میبرد. تجلی حق در ارکان هستی همانند زری است که به اشکال مختلف درآمده است. هویت زر یکی است حتی اگر به صورتهای گوناگون درآید:

در حقیقت زر یکی صورت بسی
معنی باشد به صورت صد هزار
(همان: ص ۲۶۶)

زر یکی و تنکه زر بی‌شمار
یک حقیقت صورتش بی حد و مر
(همان: ص ۲۸۴)

ح- استعاره «وحدت جام جهان‌نماست»: در ۴ مورد شاه نعمت‌الله برای عینی‌ساختن وحدت وجود از مبدأ «جام‌جهان‌نما» استفاده کرده است. جام جهان‌نما «جامی بوده است که احوال عالم و راز هفت کشور بر آن نقش شده بود و خاصیتی اسرارآمیز داشت بطوری که هرچه در نقاط دوردست کره زمین اتفاق می‌افتاد بر روی آن منعکس میشد» (فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی، یاحقی: ص ۱۵۷-۱۵۶). شاه نعمت‌الله با درنظر داشتن این خاصیت جام‌جهان‌نما ذات احدیت را همچون جام جهان‌نما میداند که احوال کثرات در آن منعکس میگردد.

ما جام جهان‌نمای عشقیم
این جام جهان‌نما همان است

(دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۸۶)

آن جام جهان‌نمای اول
یک عین و صفات بی حساب است

(همان: ص ۵۶)

خ- استعاره «وحدت رشته یکتا است»: در غزلیات بررسی‌شده بیش از ۱۲ مورد حوزه هدف «وحدت وجود» به یاری حوزه مبدأ «رشته یکتا» تصویرسازی شده است. رشته یکتا یعنی نخی که تماماً از یک جنس باشد. جهان نیز با تمام کثرات خویش همانند رشته‌ای یکتاست که جنسش از وجود حضرت حق است:

رشته یکتو است در نظر ما را
گر به چشم کسی دو تو نبود

(همان: ص ۲۳۸)

مینماید رشته عالم دو تو
در حقیقت رشته‌ای یک تو بود

(همان: ص ۲۲۶)

استعاره	نوع استعاره	کارکردشناختی
شیءوارگی	آینه، می، جام، جام جهان‌نما، رشته، گنج، زر.	آینه: بازتاب‌دهنده است. جام: دربرگیرنده است. جام‌جهان‌نما: جلوه‌گاه تمام هستی است. گنج: باارزش. زر: ماهیتی یکسان با تعدد ظاهری.

وحدت در عناصر هستی: یکی دیگر از حوزه‌های مبدأ در عینی و قابل درک کردن مفهوم «وحدت وجود» در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی، عناصر هستی همانند آفتاب، نور، دریا، آب، آتش است.

الف- **وحدت آفتاب/ خورشید است:** از مجموع ۷۲۹ مورد استعاره هستی‌شناختی در غزلیات مورد بررسی ۲۸ مورد آن مربوط به آفتاب و خورشید است. «خورشید نزد اهل ذوق انوار حاصل از تجلیات الهی و خورشید حقیقت، نور خدا و ذات احدیت است، نیز اشاره به وحدت هم هست چنانچه مه و مهر اشارت به کثرت است» (فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سجادی: ص ۲۷۴). شاید بتوان پیشینه فرهنگی استعاره «وحدت خورشید است» را در این باور اسطوره‌ای یافت که «در تمامی آئینها و اساطیر مردم جهان، خورشید جایگزین ذات آفریدگار میشود و استمرار آفرینش را به نمایندگی از سوی او برعهده میگیرد» (نماد خورشید در فرهنگ و ادبیات، غراب: ص ۸)؛ بنابراین مهمترین نگاشت بین حوزه مبدا (آفتاب) و حوزه مقصد (خداوند) گستره و دامنه فراگیر نور خورشید است که بر همه چیز و همه جا بدون کوچکترین دریغی میتابد:

آفتاب است او و عالم سایه‌بان
حضرت او مظهر لطف خدا است

(دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۵۰)

به نور آفتاب او، همه عالم منور شد
نگر هر ذره‌ای روشن، که خورشیدی است مه سیما

(همان: ص ۲۴)

ب- استعاره «وحدت نور است»: از مجموع ۷۲۹ مورد استعاره هستی‌شناختی در غزلیات مورد بررسی ۶۸ مورد آن مربوط به نور است. بنا به تعریف عین‌القضات «نور آن باشد که چیزهای دیگر را بدان بتوان دید. ظلمت و تاریکی بواسطه نور ظاهر میشود و چون نور از این معنی دریافت میشود پس اطلاق نور حقیقی بر خدا حقیقی است و بر دیگر نورها از روی مجاز است. همه موجودات عالم معدوم بودند و به نور و قدرت او هستی یافتند و چون وجود آسمان و زمین از قدرت و اراده اوست» (تمهیدات، عین‌القضات: ص ۲۵۶ - ۲۵۵). بنابراین وحدت نوری است که بر اشیاء میتابد و آنها را آشکار میکند:

در هرچه نظر کردیم نور تو در آن دیدیم
با عقل از آن گفتیم: اشیاء نظری فرما

(دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۱۰)

آیین به نور اوست روشن
مه بنگر و آفتاب دریاب

(همان: ص ۲۹)

پ- استعاره «وحدت دریا است»: از مجموع ۷۲۹ مورد استعاره هستی‌شناختی در غزلیات مورد بررسی ۱۳۳ مورد آن مربوط به دریا است. در غزلیات شاه نعمت‌الله بحر در مرتبه وحدت و امواج در مقام کثرت انگاشته میشود. در استعاره «وحدت دریاست» نگاشتهایی چون وسعت، عظمت، پیوستن رودها به آن، برآمدن و فرو رفتن امواج از آن قابل ذکر هستند:

در محیطی فکندهام زورق
که دو عالم در اوست مستغرق

(همان: ص ۳۱۵)

موج بحریم و عین ما دریاست
بحری داند این که او از ماست

(همان: ص ۴۸)

ما ز دریائیم و دریا عین ماست
هم حجاب ما در این دریا ز ما است

(همان: ص ۵۲)

ج- استعاره «وحدت آب است»: از مجموع ۷۲۹ مورد استعاره هستی‌شناختی در غزلیات مورد بررسی ۴۱ مورد آن مربوط به آب است. آب اسامی مختلفی همچون باران، یخ، بخار، برف، تگرگ، چشمه، موج، رود و دریا دارد، اما با وجود ظواهر مختلف ماهیتی یکسان دارد. بنابراین وحدت همانند آب است که دارای ظواهر مختلف است:

در موج و حباب آب دریا
کان جوهر ما به ما نماید
(همان: ص ۲۴۴)

ما حباییم و عین ما آب است
جام عین شراب این عجب است
(همان: ص ۵۹)

از حباب و موج و دریا آب جو
تا بیایی این همه آثار ما
(همان: ص ۱۴)

خ- استعاره «وحدت می است»: تعداد استعاره‌هایی که با مبدأ «می» درباره وحدت وجود ساخته شده‌اند، ۱۸ مورد است. در اندیشه عرفانی «می وجود مطلق را گویند که ساری باشد نسبت به جمیع موجودات» (رشف اللاحاظ فی کشف الالفاظ، الفتی تبریزی: ص ۶۱). همانگونه که می بر تمامی اجزاء وجود آدمی تأثیر میگذارد، شاه نعمت‌الله ولی نیز ذات یگانه پروردگار را همچون باده‌ای میداند که در جام پدیده‌های هستی در جریان است و آنها را به کمال میرساند:

یک باده و صد هزار جام است
یک را بشمار تا شود لک
(دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی: ص ۳۱۹)

می وحدت به ذوق مینوشم
ذوق داری به بزم ما بخرام
(همان: ص ۳۲۴)

یک شراب است و جام رنگارنگ
یک وجود و کمال او بسیار
(همان: ص ۲۶۴)

استعاره	نوع استعاره	کارکردشناختی
عناصر هستی و ماده	آفتاب، نور، دریا، آب، می	آفتاب: تابنده است. نور: آشکارکننده است دریا: گسترده و فراگیر آب: ماهیتی یکسان با ظواهر متفاوت می: ساری و جاری است.

استعاره‌های ساختاری

استعاره‌های ساختاری با استفاده از منبع غنی دانش در حوزه مبدأ امکان درک مفاهیم انتزاعی را فراهم می‌آورد.

از مجموع غزل‌های بررسی‌شده در این پژوهش، شاه نعمت‌الله ۹۲ استعاره ساختاری وجود دارد. مهمترین حوزه‌های مبدأ استعاره‌های ساختاری «وحدت وجود» عبارتند از: عدد یک، معنی، باطن، حقیقت، ذات، روح، ساختمان، مغناطیس، مرتبه.

الف- استعاره «وحدت یک است»: در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی ۴۱ مورد از استعاره «وحدت یک است» استفاده شده است. همانطور که اصل تمام اعداد، عدد یک است پس تمام کثرات در یک وحدت ریشه دارد:

ذات یکی و صفات بی‌عدد و بی‌شمار
عین یکی در هزار مینگر و می‌شمر
(همان: ص ۲۷۳)

به تعبیر شاه نعمت‌الله خداوند واحدی است که در هریک از اجزاء هستی ضرب گردد حاصل‌ضربش یک یعنی همان وحدت می‌شود:

چون یکی اندر یکی باشد یکی
آن یکی در عین اعیان می‌نگر
(همان: ص ۲۸۴)

او در استعاره‌ای دیگر به یاری عدد یک مفهوم وحدت را اینگونه مجسم می‌سازد که در تمام جهان یک موجود حقیقی وجود دارد که هر لحظه به شکلی ظاهر می‌گردد:

در هر دو جهان یکی است موجود
هر لحظه به صورتی مجدد
(همان: ص ۱۹۹)

ب: استعاره «وحدت معنی است»: این استعاره نیز بیش از ۸ بار در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی استفاده شده است. در واقع، در این نوع استعارات شاعر میکوشد مفهوم انتزاعی «وحدت» را با مفهوم انتزاعی «معنی» که برای ذهن آشنا تر است، قابل فهم سازد. در این نوع استعارات در برابر حوزه مبدأ یعنی «معنی» مفهوم متضاد آن «صورت» نیز یاد شده و چون صورت قابل مشاهده است و صورتهای مختلف دلالت بر معنایی واحد میتوانند داشته باشند؛ صورت کثرات نیز در عالم میتواند دلالت بر معنای واحد «وحدت وجود» داشته باشد:

تا صورت خود بیند در آینه معنی
معنی همه عالم در صورت ما آراست
(همان: ص ۵۱)

هر صورتی که بینی معنی در آن توان دید
معنی آن نظر کن بنگر کمال صورت
(همان: ص ۴۰)

پ- استعاره «وحدت باطن است»: این استعاره ساختاری بیش از ۴ مورد بکار رفته است. وحدت باطن است و کثرت ظاهر. همانطور که یک ماده (باطن) میتواند ظواهر متفاوت داشته باشد، وجود واحد خداوندی نیز میتواند به اشکال مختلف در اجسام و پدیده‌های هستی ظاهر شود:

باطن است و از همه ظاهرتر است
این چنین پیدا چنان پنهان بود
(همان: ص ۲۲۸)

یکی است اول و آخر چو ظاهر و باطن
چهار اسم و مسما یکی بدان هر چار

(همان: ص ۲۶۲)

ج- **استعاره «وحدت حقیقت است»:** این استعاره ۸ مرتبه در غزلیات مورد بررسی بکار رفته است. یکی از ویژگیهای ذات خداوند، وجود حقیقی اوست که یک مصداق بیشتر ندارد و درواقع حقیقتی است که سبب پیدایش وجودهای اعتباری و کثرات گشته است. جهان هستی و بطور ویژه انسان کامل که جامع اسماء و صفات الهی است، همانند آینه‌ای است که این حقیقت را در خود منعکس میکند؛ بنابراین وحدتی نهفته در میان همه کثرات وجود دارد که این وحدت مربوط به وجود حقیقی خداوند است:

منم آیینۀ حقیقت یار گر چه باشد حقیقت آینه‌دار

(همان: ص ۲۶۲)

یک حقیقت هست ما را در نظر این حقیقت در حقایق مینگر

(همان: ص ۲۶۲)

د- **استعاره «وحدت ذات است»:** این استعاره چهار مرتبه بکار رفته است. حضرت حق دارای دو جنبه است؛ یک جنبه حق، پنهان، دست‌نیافتنی و غیب‌الغیوب است که همان ذات خداوند است و جنبه دیگر، جنبه ظاهر و تجلی اسماء و صفات اوست. تجلی اسماء و صفات خداوند سبب پیدایش کثرات شده است. ذات خداوند یکی و صفات وی بیشمار است؛ در حالت تشبیه، ذات خداوند همانند شخصی است که در مقابل آینه‌های بسیار قرار گرفته و تصاویر زیادی از وی منعکس شده است، ولی همه این تصاویر (کثرات) به ذات خداوند برمیگردد. در ذات خداوند کثرت راه ندارد؛ بلکه وحدت است و این کثرتها متعلق به تجلی اسماء و صفات خداوند است:

یکی رو دارم و آینه بسیار یکی ذات و صفاتم صدهزار است

(همان: ص ۶۷)

ذ- **استعاره «وحدت مرتبه است»:** این استعاره ۳۷ بار در غزلیات مورد بررسی بکار رفته است. شاه نعمت‌الله ولی با استفاده از این استعاره مفهوم «وحدت در عین کثرت» را تصویرسازی میکند:

نور خورشید در سپهر یکی است شد مراتب میان صبح و شفق

(همان: ص ۳۱۵)

در مرتبه‌ای ظاهر در مرتبه‌ای باطن در مرتبه‌ای مقبول در مرتبه‌ای مردود

(همان: ص ۲۱۸)

استعاره	نوع استعاره	کارکردشناختی
استعاره ساختاری	عدد، مرتبه، مفاهیم انتزاعی (باطن، حقیقت، ذات، معنی)	عدد یک: اصل تمام اعداد است. مرتبه: واحد داری مراتب است. باطن: باطن ثابت و ظاهر متکثر معنی: معنی ثابت و صورت گوناگون است ذات: ذات یکسان و صفات متکثر است

استعاره‌های جهتی: در این نوع استعاره مفاهیم انتزاعی به مدد سنجش آن نسبت به موقعیت مکانی جسم آدمی شناخته می‌شود. تعداد استعاره‌های جهتی وحدت وجود از مجموع ۸۵۱ استعاره، ۳۰ استعاره است که بسیار کم‌بسامد است. حوزه مبدأ در این نوع استعارات در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی بیشتر مربوط به جهت بالا و درون می‌شود و جهت‌های دیگری مانند دور، نزدیک، روبرو، در کنار و در میان نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

الف- استعاره «**وحدت بالا است**»: در نظام فکری بشر «بالا» ارزشمند و «پایین» فاقد ارزش است و وجود واحد خداوندی که در بالا قرار دارد کثرات فرومایه را بسوی خود میکشد تا با پیوستن به او ارزشمند گردند. کثرات نیز میکوشند به اصل یگانه خود که در ازل با او یکی بودند بازگردند. همچنین این استعاره ریشه در فرهنگ اسلامی دارد؛ چنانکه در آیه ۵ سوره طه، جایگاه خداوند عرش معرفی شده است: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى».

میل ما دایم سوی بالا بود لطف او ما را به بالا میکشد

(همان: ص ۱۹۲)

در ازل بالانشین بودیم و گوئی تا ابد

جذبه او می‌رسد ما را به بالا میکشد

(همان: ص ۱۹۳)

کار دل از عشق بالائی چنین بالا گرفت

لاجرم جان عزیزان قصد بالا میکند

(همان: ص ۲۱۱)

ب- استعاره «**وحدت درون است**»: در مقایسه با جهات دیگر، درون نزدیکترین و بی‌فاصله‌ترین جهت به بدن انسان است؛ بنابراین وحدت وجود همانند قلب، خون، رگ و غیره در درون جسم آدمی است. ریشه فرهنگی این استعاره را نیز بایست در آموزه‌های دینی جستجو کرد. چنانکه خداوند در آیه ۱۶ سوره ق میفرماید: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ». همچنین در حدیث قدسی آمده است که: «لَا يَسْتَعْنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَا لَكِنْ يَسْتَعْنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ»^۱ (تمهیدات، عین‌القضات همدانی: ص ۲۴).

بتی دارم که با من در میان است دلارامی که دایم در کنار است

(همان: ص ۶۷)

در همه حالی خدا با من بود لاجرم من با خدایم با خدا

(همان: ص ۸۶)

پ- استعاره «**وحدت رو به روست**»: استعاره جهتی دیگر که برای عینی‌سازی مفهوم وحدت وجود بکار می‌رود «رو به رو/مقابل» است. در این حالت وحدت همان چیزی است که روبروی ماست لذا آدمی به هر سو که رو کند آنجا وحدت را می‌بیند:

آینه پاک دار و خوش بنگر جان و جانانه روبروست ای دوست

(همان: ص ۱۱۹)

استعاره	نوع استعاره	کارکرد شناختی
---------	-------------	---------------

^۱ - زمین و آسمان گنجایش مرا ندارد، ولی قلب بنده مؤمنم گنجایش مرا دارد.

جهتی	بالا	بالا: بارزش است.
	درون	درون: نزدیک و بی‌فاصله است.
	رو به رو	رو به رو: به هر طرف رو کنی هست.

نتیجه‌گیری

نظریه وحدت وجود بعد از ابن عربی، بعنوان یکی از مسائل اساسی در عرفان نظری مطرح شد. شارحان و پیروان ابن عربی، در آثار خویش برای تبیین اندیشه وحدت وجود، از استعاره، تمثیل، تشبیه و نماد استفاده کردند. یکی از عارفانی که به مبانی وحدت وجود، نگاه ویژه‌ای داشته است، شاه نعمت‌الله ولی است. بطوریکه یکی از مهمترین درونمایه‌های دیوان وی را میتوان نظریه وحدت وجود دانست. نتیجه پژوهش حاضر، حاکی از آن است که از ۸۵۱ استعاره مفهومی «وحدت وجود» در ۱۰۰۰ غزل از غزلیات شاه نعمت‌الله ولی، ۸۵ درصد از آن مربوط به استعاره‌های هستی‌شناختی است. ۱۰ درصد استعاره ساختاری و ۵ درصد نیز استعاره جهتی است. میزان تفاوت قابل توجه استعاره‌های هستی‌شناختی «وحدت وجود» بر این امر دلالت دارد که شاه نعمت‌الله تمامی اجزای هستی را در پیوندی ناگسستنی با اصل حقیقی و ذات احدیت میبیند و به کثرت به عین وحدت مینگرد. استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود در غزلیات شاه نعمت‌الله را میتوان در سه دسته «شیء‌وارگی»، «شخص‌انگاری» و «عناصر هستی و ماده» طبقه‌بندی کرد. براساس استعاره‌های شخص‌انگاری، استعاره «او» ضمیر غایبی که میتواند به تمام پدیده‌های جاندار و بیجان اطلاق شود و میتواند بازتابی از حضور حضرت حق در اشیاء و پدیده‌ها باشد. در استعاره «وحدت پیامبر است»، وحدت انسان کاملی است که ذات حق در او به تمام و کمال تجلی یافته است و استعاره «وحدت انسان است»، از باور دینی انسان خلیفه‌الله است نشئت گرفته است؛ چراکه روح الهی در جسم آدمی دمیده شده است لذا آدمیان از قوم و نژادی که باشند و با هر نوع باور و عقیده- ای، ذراتی از ذات حق تعالی هستند. در استعاره‌های شیء‌وارگی وحدت ذات یگانه خداوند همانند آینه بازتاب‌دهنده؛ مانند جام دربرگیرنده و مانند جام جهان‌نما، جلوه‌گاه تمام هستی است. همانند گنج بارزش است و مانند زر ماهیتی یکسان با تعدد ظاهری است. نوع دیگر استعاره‌های هستی‌شناختی وحدت وجود پیرامون عناصر هستی و ماده شکل میگیرد همانند عناصری چون نور، آفتاب، دریا، آب و شراب. در استعاره‌های ساختاری نیز وحدت با حوزه‌های مبدأ چون عدد یک، مرتبه، باطن، حقیقت، معنی و ذات شناخته میشود. نگاشتهای حاصل از استعاره‌های ساختاری عبارتند از: اصلی بودن عدد یک، ثابت بودن باطن، لایتغیر بودن ذات. استعاره- های جهتی وحدت وجود در غزلیات شاه نعمت‌الله ولی بسامد بسیار کمی دارد و بیشتر شامل جهاتی چون بالا، درون و روبرو میشود. نگاشتهای استعاری بدست‌آمده از این نوع استعارات شامل: بالا با ارزش و جایگاه خداست؛ درون نزدیک و بی‌فاصله است و روبرو، به هر طرف نگاه کنی خدا هست. باورها و روایات دینی درباره جایگاه خداوند نقش بسزایی در ایجاد استعاره‌های جهتی داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش

تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Einat al-Qozat Hamedani, Abdullah Ibn Mohammad. (1962). Tamhidat, edited by Afif Asiran, Tehran: University of Tehran, pp.255-257.
- Farzam, Hamid. (1995). Research on the condition and critique of the works and thoughts of Shah Nematullah Vali, Tehran: Soroush, p.660.
- Ghorab, Rahleh. (2005). The symbol of the sun in culture and literature, Mashhad: Mohaghegh, p.8.
- Hashemi, Zohreh. (2010). Conceptual metaphor theory from the perspective of Likoff and Johnson, *Literary Research*, (12) 4, pp. 140-119.
- Hawks, Trance. (1998). Metaphor, translated by Farzaneh Taheri, Tehran: Markaz, p.11.
- Heidari, Gholamreza. (2019). Mystical, religious and literary themes of the alphabet in the poems of Shah Nematullah Vali Kermani, *Quarterly Journal of Islamic Mysticism*, (60) 15, pp. 318-343.
- Homayi, Jalaluddin. (2006). Rumi's letter (what does Rumi say) tenth edition, Tehran: Homa, pp.188-189.
- Ibn Arabi, Muhiyat al-Din. (1423 AH). Tafsir Ibn Arabi, corrected by Samir Mustafa Rabab, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, p.468.
- Ibn Arabi, Muhiyat al-Din. (2003). Kitab al-Ma'rifah, edited by Muhammad Amin Abu Jawhar, Damascus: Dar al-Takwin for printing and publishing, p.128.
- Ibn Arabi, Muhiyat al-Din. (N.d). Conquests of Mecca, Beirut: Dar al-Sadr, p.566.
- Jahangiri, Mohsen. (2004). Mohiyat al-Din Ibn Arabi the Prominent Face of Islamic Mysticism, Tehran: University of Tehran Press, p.261.
- Kouchesh, Zoltan. (2017). The book Applied Introduction to Metaphor, translated by Jahanshah Mirzabeigi, Tehran: Agah.
- Lahiji, Mohammad. (2004). Mafatih al-Ijaz fi Sharh Golshan Raz, by Mohammad Reza Barzegar Khaleghi and Effat Karbasi, fifth edition, Tehran: Zavar, p.100.
- Likoff, George and Mark Johnson. (2015). The metaphors we live with, under the supervision of Farzaneh Sojoudi, Tehran: Elm, pp. 30, 50, 123.
- Nasirian, Yadollah. (2001). The sciences of rhetoric and miracles in the Qur'an, Tehran: Samt, p.141.
- Nicholson, Reynolds. (1979). Islamic Sufism and the Relationship between Man and God, translated by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Toos, p.151.
- Ol-Fati Tabrizi, Sharafat al-Din. (1998). Rashf al-Hazaz fi Kashf al-Alfaz, edited and explained by Najib Mayel Heravi, second edition, Tehran: Mola, p.61.
- Qaisari, Davood. (2008). Qaisari's commentary on Fusus al-Hakam Ibn Arabi, translated by Mohammad Khajavi, Tehran: Mola, p.11-12.
- Sa'eedi, Gol Baba. (2008). Comprehensive Dictionary of ibn Arabi Mystical Terms, Tehran: Zavar, p.1097.
- Sajjadi, Seyed Ja'far. (2010). Dictionary of mystical terms and interpretations, ninth edition, Tehran: Tahoori, p.274, 782.
- Sassani, Farhad. (2004). Metaphor, the basis of thinking and tools of beauty, collection of articles by Umberto Eco and others, by Farhad Sassani, Tehran: Sureh Mehr, pp.38,

46, 197.

- Shovaliye, Jean and Alan Gerbran. (2009). Culture of Symbols, translated by Soodabeh Fazaili, third edition, Tehran: Jeyhun, p. 331.
- Shafiee Kadkani, Mohammadreza. (1996). Images of Imagination in Persian Poetry, Tehran: Agah, p.108.
- Vali, Shah Nematullah. (1983). Poetry Divan, with introduction by Saeed Nafisi, Tehran: Mohammad Elmi Publications.
- Yahaghi, Mohammad Ja'far. (1996). Culture of myths and fictional allusions, second edition, Tehran: Soroush, p.156-157.
- Zarrinkoob, Abdolhossein. (2008). Following the Search in Iranian Sufism, Tehran: Amirkabir, p.198.

فهرست منابع فارسی

- استعاره، مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳)، مجموعه مقالات امیرتو اکو و دیگران، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران: سوره مهر.
- استعاره، هاوکس، ترنس (۱۳۷۷)، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم، لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۳۹۴)، زیر نظر فرزانه سجودی، تهران: علم.
- تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت‌الله ولی، فرزانه، حمید (۱۳۷۴)، تهران: انتشارات سروش.
- تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، نیکلسون، رینولد (۱۳۵۸)، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: توس.
- تفسیر ابن عربی، ابن عربی، محیی‌الدین (۱۴۲۳ق)، تصحیح سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تمهیدات، عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد، تمهیدات (۱۳۴۱)، تصحیح عقیف عسیران، تهران: دانشگاه تهران.
- دنباله جستجو در تصوف ایران، زرینکوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)، تهران: امیرکبیر.
- دیوان اشعار، ولی، شاه نعمت‌الله (۱۳۶۲)، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات محمد علمی.
- رشف الالفاظ فی کشف الالفاظ، الفتی تبریزی، شرف‌الدین (۱۳۷۷)، به تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی، چاپ دوم، تهران: مولی.
- شرح قیصری بر فصوص الحکم ابن عربی، قیصری، داوود (۱۳۸۷)، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران: مولی.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، تهران: آگاه.
- علوم بلاغت و اعجاز در قرآن، نصیریان، یدالله (۱۳۸۰)، تهران: سمت.
- الفتوحات مکیه، ابن عربی، محیی‌الدین (بی‌تا)، بیروت: دارالصادر.
- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی، یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، چاپ دوم، تهران: سروش.
- فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سجادی، سیدجعفر (۱۳۸۹)، چاپ نهم، تهران: طهوری.
- فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی، سعیدی، گل بابا (۱۳۸۷)، تهران: زوار.
- فرهنگ نمادها، شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۸)، ترجمه سودابه فضایی، چاپ سوم، تهران: جیحون.
- کتاب مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، گوجش، زولتان (۱۳۹۶)، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
- کتاب المعرفة، ابن عربی، محیی‌الدین (۲۰۰۳م)، تصحیح محمدامین ابوجوهر، دمشق: دار التکوین للطباعة و

النشر.

محبی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، جهانگیری، محسن (۱۳۸۳)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مضامین عرفانی، دینی و ادبی حروف الفبا در اشعار شاه نعمت‌الله ولی کرمانی، حیدری، غلامرضا (۱۳۹۸)، فصلنامه عرفان اسلامی، (۶۰) ۱۵، صص ۳۱۸-۳۴۳.

مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، لاهیجی، محمد (۱۳۸۳)، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، چاپ پنجم، تهران: زوآر.

مولوی‌نامه (مولوی چه میگوید) همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۵)، چاپ دهم، تهران: هما.

نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون، هاشمی، زهره (۱۳۸۹)، ادب پژوهی، (۱۲) ۴، صص ۱۴۰-۱۱۹.

نماد خورشید در فرهنگ و ادبیات، غراب، راهله (۱۳۸۴)، مشهد: محقق.

Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor ,In Geeraerts, Dirk .(Ed.). (2006) Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research; 34). Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.

معرفی نویسندگان

فاطمه زمانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: F.zamani@kub.ac.ir)

سمیه خادمی: استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
(Email: s.khademi@azaruniv.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Fatemeh Zamani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kowsar University, Bojnourd, Bojnourd, Iran.

(Email: F.zamani@kub.ac.ir: Responsible author)

Somayeh Khademi: Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

(Email: s.khademi@azaruniv.ac.ir)